

هاشمی و انقلاب

(تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ)

با مقدمه

آیت الله هاشمی رفسنجانی

سید مسعود رضوی



انتشارات اطلاعات
تهران - ۱۳۹۷

سرشناسه: رضوی، مسعود، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور: هاشمی و انقلاب: (تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ) / سیدمسعود رضوی؛ با
مقدمه هاشمی رفسنجانی
مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۵۴۴ ص: مصور
شابک: 978-600-435-081-5

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: چاپ قبلی: شرکت همشهری، ۱۳۷۶
یادداشت: کتابنامه
موضوع: هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳-۱۳۹۵
موضوع: Hashemi Rafsanjani, Akbar
موضوع: ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷
موضوع: Iran - History - Islamic Revolution, 1979
موضوع: ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۵۷
موضوع: Iran - Politics and government - 1978
شناسه افزوده: هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳-۱۳۹۵، مقدمه نویسنده
شناسه افزوده: Hashemi Rafsanjani, Akbar
شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات
رده بندی کنگره: DSR ۱۵۵۳ ۹۶
رده بندی دیویی: ۵۵/۰۸۳
شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۰۶۱۷۵



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۳۹۹۵۳۱۱
تلفن: ۲۹۹۹۳۴۵۵۶
فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن ۲۹۹۹۳۶۸۶
فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

هاشمی و انقلاب (تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ)

نوشته سیدمسعود رضوی

حروف نگار: زهره حلوایی
طراح جلد: رضا گنجی
حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات
شمارگان: ۱۰۵۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-435-081-5

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۵-۰۸۱-۵

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۱۵	مقدمه
۲۱	دیدار با تاریخ
۲۷	پیشگفتار بر چاپ نخست

بخش اول: مبارزه

۳۵	فصل اول / افقهای تاریخ معاصر
۵۹	فصل دوم / مبارزه بر بستر شکست‌های پی‌درپی
۹۵	فصل سوم / روحانیت و آزمونهای فکری و سیاسی
۱۱۱	فصل چهارم / آخرین محبس
۱۳۵	فصل پنجم / به سوی پیروزی
۱۶۵	فصل ششم / نخستین روزهای جمهوری

بخش دوم: دولتمرد

۲۱۱	فصل اول / حزب جمهوری اسلامی
۲۳۷	فصل دوم / شورای انقلاب و دولت موقت
۲۵۷	فصل سوم / در وزارت کشور
۲۶۷	فصل چهارم / خبرگان و قانون اساسی

۳۰۳	فصل پنجم / کردستان در آتش
۳۱۹	فصل ششم / آذربایجان و حزب خلق مسلمان
۳۳۹	فصل هفتم / گروه‌های سیاسی و مشکلات حاشیه انقلاب
۳۵۵	فصل هشتم / بحران ترکمن صحرا و گنبد
۳۶۵	فصل نهم: مطبوعات و دانشگاه‌ها
۳۸۵	فصل دهم / ریاست جمهوری و نخست‌وزیر
۴۱۱	فصل یازدهم / مجلس شورای اسلامی
۴۳۷	فصل دوازدهم / آمریکا، گروگان‌ها و عراق

ضمیمه

۴۷۷	ضمیمه ۱ / مقدمه بر «صورت مذاکرات شورای انقلاب»
۴۸۰	ضمیمه ۲ / پیام امام خمینی به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از واقعه ترور
۴۸۲	ضمیمه ۳ / امیرکبیر، یاسرمان مبارزه با استعمار
۴۹۵	مؤخره
۵۰۵	منابع و مأخذ
۵۱۷	نمایه

مقدمه

تحریر اول این کتاب، پس از ربع قرن پیش نوشته شد و نیازی نیست به خوانندگان عالی مقام در باب تحولات کرده و تغییرات معرفتی که طی سه دهه اخیر رخ داده و بنیادهای ادراک ما را دگرگون ساخته است، نکته‌ای بگویم یا تذکر و انتباهی دهم. اگر امروز می‌خواستم همین کتاب «بنو سم» به کلی چیز دیگری از آب درمی‌آمد؛ زیرا نویسنده دیگر جوانی کوشنده و پرشور را خطر نیست، بلکه موج سنگین گذر زمان را از سر گذرانده‌ام و تجربه‌های پیاپی در زمینه اجازه نمی‌دهد درباره دیگران به سرعت اظهار نظر یا داوری کنم. نعمت همدل رویارویی، و دوری از تنگ نظری و تعصب، به ذهن‌های ناآرام و افکار پریشان، مجال سامان می‌دهد و این قانونمندی تکامل است، زیرا اگر انسان‌ها تنها به یک حال بمانند و در یک افق بیندیشند، می‌پوسند و فاسد می‌شوند. از پویه تحول و چرخه استعلا بیرون می‌افتند. پس چاره کار، درک این سیر و پذیرش این صیروت است. تاریخ، محل توقف نیست، گذرگاه و محل عبور است. کاروانسرا و کهنه رباطی است که ماجراهایی حیرت‌انگیز در آن رخ داده و می‌دهد؛ اما به حکم تاریخ، هیچ رویدادی تکرار نمی‌شود، هرچند شباهتی در ماجراها هست که می‌تواند انسان را هشیار کند. در دل تاریخ عبرت‌ها و درس‌هایی از برای بنی آدم مستور است که آموختنش در هیچ کلاس

دیگری میسر نیست. این حکمت تاریخ و فایده آن برای انسان است. همین عبرت و حکمت ما را هشیار کرده و به ما در باره گذشته گرایي هشدار می دهد. آن که در پی تکرار گذشته و یا احیای گذشته و یا بازگشت به گذشته است، هیچ از تاریخ نیاموخته و: هر که نامُخت از گذشتِ روزگار نیز ناموزد ز هیچ آموزگار

ایده بازگشت به یک برهه و توقف تاریخ در یک ایده یا دیدگاه، برداشتی سطحی از تاریخ است و موجب گمراهی خواهد شد. این تلقی اساساً ارتجاعی و بسیار خطرناک است؛ شووینیسیم، فاشیسم، کمونیسم، بنیادگرایی و سلفی گری، بر رده همین ایده، یعنی تاریخی گری و گذشته گرایی نشسته است. ما از یکصد و بیست سال بشر تاریخ لحظه، نتایج شومشان را دیده ایم. عمق نفرت و حجم خشونت که تولید کرده و مدمیات که زده اند، غیر قابل محاسبه است. گویی کاروان اجتماع، باید از دریای خون بگذرد تا به ناکجا آبادی برسد که این دیوانگان تخیل و ترسیم کرده اند! تاریخ باید نقطه عطف باشد؛ مسیر تکامل را و قانونمندی تحول را به انسان ها بیاموزد، تاریخ عطف بآیند است و نه معطوف به گذشته؛ می باید درس صلح و صلاح دهد، نه آنکه خصوصت انسان را بهانه خشونت فرزندان سازد و کینه های اسلاف را به اخلاف واگذار کند. تاریخ باید منبع الهام و مبدأ سعادت و خوشبختی باشد. آلام و دردهای موجود را التیام بخشد. زخم های بشر را درمان کند. زندگی اجتماعی و نظام های سیاسی را اصلاح کند. پرده نفیاد و نکبت را پاره کند و نقشه راهی و رستگاری را به جامعه و تک تک انسان ها نشان دهد.

باری، این کتاب محصول زمانه و شرایطی متفاوت است. اکنون که به همت انتشارات اطلاعات باز چاپ می شود، به جز تغییرات صورتی اندک، و حروف نگاری مجدد، همان است که بود. با توجه به استنادات این اثر و منابع خاص آن، و ارجاع کتب و مقالات زیادی به همین کتاب، صلاح نبود که دگرگون شود و ساختار و مطالب متفاوتی داشته باشد. به قول وحشی بافقی «همت اگر پایه فزایی کند»، در کتاب دیگری که بخش اعظمش تحریر شده است، دیدگاه های متفاوت و دگرگونی ها را نیز بیان می کنم.

این نکته ها را از آن رو مورد تأکید قرار دادم که تردید ندارم آیت الله هاشمی رفسنجانی خود نماد تحول و تغییر بود و در هر برهه از انقلاب و نظام جمهوری

اسلامی ایران، متناسب با زمان می‌اندیشید و سخن می‌گفت و عمل می‌کرد. او به‌خوبی می‌دانست که انقلاب اسلامی متکفل وعده‌های سنگینی شده و رهبران نمی‌توانند با عطف به‌ماسبق، رفع تکلیف کنند و توسعه و آبادانی و نظم و شکوفایی را به وعده‌ای تکراری در خطابه‌ها احاله نمایند. آیت‌الله هاشمی تا زمانی که مبارزه می‌کرد، مردی انقلابی و مبارزی هوشمند بود؛ اما به محض پیروزی انقلاب، به مرد کار و خدمت نیز بدل شد. مردی که در میان معماران و مدیران انقلاب و نظام، چهره‌ای شاخص و یگانه محسوب می‌شد و شخصیتی گسترده و چندوجهی داشت و هیچ تعهدی را نپذیرفت مگر عهد انقلاب و صاحبانش را که مردم ایران بودند. به همین دلیل در لحظه‌های حساس تاریخی، هدف حمله و کینه شدید گروه‌های بی‌ریشه، قدرت‌طلبان، مدعی و فرصت‌طلب قرار گرفت. زندگی، شخصیت و فکر او دقیقاً نقطه‌ای برای به‌تأمل‌هایی بود که همچون سیل به سویش روان کردند. اتهام‌ها را همه می‌شناسیم و درباره‌اش گفته‌ایم، تا جایی که آن فرد بی‌مسئولیت در بحبوحه انتخابات از سیمان‌ها تکرار کرد و بدعتی شوم و نامیمون نهاد. بدعت دیگر نیز عدم امکان پاسخگویی به رأی آیت‌الله فقید بود که دردمندانه تحمل و شکیبایی کرد؛ اما زودتر از آنچه گمان می‌رشد، پرده‌ها برافتاد و معلوم شد که ثروت افسانه‌ای، مرد پشت پرده و مرموز، و قدرت مطلق و...، چقدر ناجوانمردانه به او نسبت داده شد و این انسان ساده‌زیست و متعهد، پادشاه و میهن‌دوست، تا کجا صبوری کرد و هرچه را داشت، از عمر و مال و خانواده و... در راه آزادی و استقلال و آبادانی و مردمسالاری به عرصه آورد. هاشمی در سنوات اخیر، خیزشی مجدد در دل مردم داشت و چنان محبوبیت و نفوذش ارتقا یافت که نه تنها و هدایتگر مردمسالاری و تحول‌طلبی ایرانیان بدل شد. هرچه محبوب‌تر می‌شد، نمرکزطلبان و متعصبان و تمامت‌خواهان نیز کینه بیشتری ابراز می‌کردند. کسانی که رأی و اراده مردم را به هیچ می‌انگارند و مردمسالاری و خواست ملی را تمسخر می‌کنند، در کنار کاسبان بحران و جنگ و تحریم، هیچ‌گاه هاشمی را نبخشیدند. نیازی نیست بیش ازین به ماهیت این جریان‌های سیاسی و اقتصادی و ضدفرهنگ اشاره کنم؛ همه مردم فهیم و علاقه‌مند به ایران و اسلام، اینان را شناخته‌اند و العاقل یکفیه‌الاشاره...

شگفت آنکه در هنگام چاپ نخست همین کتاب، گروه افراطی دیگری نیز از

جانبی دیگر به آیت الله هاشمی هجوم کرده و ایشان را به ناروا آماج حملات و اتهامات کذب و نادرست قرار دادند. متأسفانه آن افراد که در بدو دولت اصلاحات طلوع و زود غروب کردند، صدمات بزرگی به کشور و اعتماد عمومی وارد آوردند. در کثیری از نشریات و روزنامه‌ها و حتی کتاب‌های پرتیراژ، افسانه پرداختند و خیالات خود را بی‌پروا منتشر کردند. بدون هیچ سند و مدرکی، تهمت زدند و ناجوانمردانه دروغ گفتند. من در آن زمان مشغول پژوهش‌های بیشتر در این کتاب بودم که کتاب «عالی جناب سرخپوش» به دستم رسید. کژواری نگاه و شبه‌تحلیل‌های فاقد سند برای ضربه زدن به هاشمی و یارانش در این کتاب ردیف شده بود. به راحتی می‌شد نویسنده و ناشر کتاب را تحت تعقیب قضایی قرار داد؛ اما هاشمی صبر کرد و واکنش نشان نداد. انگاری خواست فرصت دهد تا خود را اصلاح کنند. بسیاری از افراد و جریان‌ها اصلاح شدند. تجربه اندوختند؛ اما تاوانش را هاشمی پرداخت! این منش او بود؛ سیاستگری اسبیل که با انتقام و نفرت میانه نداشت. می‌بخشید و عبور می‌کرد و با تمام جناح‌ها و جریان‌ها اراد کار می‌کرد. حذف و تخریب و کینه را از جان و ذهن خود زدوده بود. حتی بازگشتش برای مجلس ششم برای کاهش تنش‌ها و حفظ تعادل میان جریان‌ها و قوای موجود بود. فرصتی بود که (به مانند انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴) کوتوله‌های سیاسی درک نکردند. در آن ایام کتاب عالیجناب قریب به پنجاه بار با تیراژهای زیاد نشر شد و هنگامی که نویسنده و ناشر ذوق زده اسم و رسم و مکنت و امکاناتی ردیف می‌کردند، لابلای سایه‌ها، اشباح مرموزی لبخند می‌زدند و این جلد‌های دروغین را شنید می‌کردند. پوپولیس‌م به مکتب محبوب تازه به دوران رسیدگان بدل شده بود. مجموعه‌ای از این رفتارهای غیر مسئولانه، افق سازندگی و توسعه را به شدت آشفته کرد و فضایی لغزنده و ناپایدار در پهن دشت سیاسی، جایگزین شد.

در چنین حال و هوایی، من برای اتمام این کتاب تعجیل کردم. فکر می‌کردم می‌توان موقعیت و منزلت انحصاری این دولتمرد و سیاستگر استثنایی را به منتقدان گوشزد کرد. هرچند در آن فضای ژورنالیستی، گروه اندکی بر جمع کثیری اثر می‌نهادند و خود را نوگرا و آوانگارد معرفی می‌کردند. چنان‌که این تصور برای خودشان هم واقعاً پیش آمد و هیچ‌گاه نفهمیدند و نگفتند که این رادیکالیسم کور

و خودنمایی‌های روزنامه‌ای، چه اثری بر فضای شکننده سیاسی و فرهنگی نهاد. این کتاب هم نتوانست تأثیری فراتر از استنادات پژوهشی داشته باشد؛ اما همین هم ارزشمند است. اینک که چاپ تازه در حال انتشار است، امیدوارم یادآوری و تذکر به افراطیون دیگری باشد که در طی یک دهه اخیر، ناجوانمردانه و بی‌رحمانه به هاشمی تاختند و هرکجا او به میدان آمد تا صلاح و سامانی به اختلافات و خصومت‌ها بدهد، مانع شدند و افتراها و ناسزاهای غریبی به او وارد کردند. هرچه کوشید صفایی به دلها دهد و وحدتی ایجاد کند یا برای بهبود امور تشریک مساعی نماید، این مدعیان و میراث‌خواهان کنگ تفرقه زدند و سلسله خصومت جناباندد. متأسفانه هیچ‌گاه متنبه نشدند و هشمی که جان و روانش به انقلاب بسته بود، همچنان شکیب و شکنج را برگزید و در این طریقت بیزمانند بود. به قول آقای ناطق نوری: صبر را هم ذله کرده بود!

این سیره کوتاه از انقلاب اسلامی و مبارزه و مدیریت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ریشه‌های طولیل مبارزات و در مسیر انقلاب و تحولات معاصر ایران نشان می‌دهد و استنادات آن بسیار برای حققان تاریخ معاصر ایران مفید است. نگارنده همواره روش سیاسی آیت‌الله هشمی را تحسین کرده و از آن دفاع کرده‌ام. باز هم تأکید می‌کنم که طریقت او در سیاست داخلی و دیپلماسی خارجی، می‌تواند الگوی مناسبی برای پیشبرد امور و توسعه و استفاده از ظرفیت‌ها و فرصت‌ها باشد. همان‌طور که در مقدمه چاپ نخست نوشتم، یک مکتب سیاسی می‌تواند بر مردمسالاری و منافع ملی، متکی به تجربه‌های موجود، منعطف در برابر شرایط و امکانات متفاوت، قانون‌گرا، نقدپذیر، اهل تعامل و سازنده ثروت مالی و انسانی. برای هر کدام از این صفات و عنوان‌ها می‌توان مصداق‌ها و مثال‌های متعدد بیان کرد.

از سال ۱۳۸۴ به بعد، هاشمی بسیار کوشید تا از هرزروی نیروها و فرصت‌ها جلوگیری کند و در این راه چنان صادق و دلسوز بود که تمام اتهامات و نسبت‌های ناروای فرصت‌طلبان سیاسی را خنثی کرد و به خود آنها بازگرداند. هزینه‌هایی که او برای آرمان‌ها و آمالش پرداخت، بسیار بود؛ ولی در مقابل، به تدریج محبت و احترام عمیق ملت ایران را کسب کرد. مردم به اشاره هاشمی به صندوق‌های انتخابات روی کردند. بالاترین آرای تاریخ را کسب کرد و هر جا بازماند، مردم به نظر او اعتماد

کردند. سرانجام نیز در بزرگترین تشییع جنازه پس از رحلت امام، مردم ایران پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را بدرقه کردند. مرگ او در شرایط تاریخی حساسی رخ داد و عقلای وطن به حضورش احساس نیاز می‌کردند؛ اما فقدانش استعاره‌ای رسا برای دو نظر متمایز است که تاریخ هنوز درباره آن لب به سخن نگشوده است: استعاره آغاز یا استعاره پایان؟!

این مقدمه را به پایان می‌برم با ذکر این نکته که دو ضمیمه تازه به کتاب افزودم: یکی بلافاصله پس از همین مقدمه که حاصل تأمل و تألماتی درباره آیت‌الله هاشمی بود و نیز خردک خاطره‌های نگارنده که برای ویژه‌نامه ضمیمه روزنامه اطلاعات به مناسبت چهلمین روز درگذشت ایشان تحریر شده بود و البته بخش‌های تکراری را که در مقدمه آمده است، از آن کاسته‌ام. دومین مطلب به انتهای کتاب پیوست شده است. مقاله‌ای تحقیقی است که در مجله تاریخ و فرهنگ معاصر به مدیریت آقای سیدهای خسروشاهی (شماره ۴، سال ۱۳۷۶) منتشر شد. این مقاله تاریخی مختصری در باب دوران یکی از کتاب‌های آیت‌الله هاشمی است. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. حسب الله و عم الوکیل و ان الله یدافع عن الذین آمنوا.